

سازمانهای بین المللی و انتفاضه

■ مهدی ترحمی *

تنگاتنگ این منطقه با جهان، خطر تهدید منافع، سرنوشت دیگر کشورها را نیز تحت تأثیر قرار داده است. در چنین شرایطی، تلاش برای پایان بخشیدن درگیریها و اعاده شرایط مذاکره تا صلح، به هدفی مشترک و جهانی تبدیل شده و توسل به راهبردهای منطقه ای و بین المللی را در دستور کار سازمانها و مجامع بین المللی قرار داده است.

در این نوشتار به بررسی اقدامات برخی از سازمانهای بین المللی و منطقه ای، نظیر سازمان ملل (سه نهاد شورای امنیت، مجمع عمومی و سازمان حقوق بشر) سازمان کنفرانس اسلامی،

پس از اوجگیری بحران مسجد الاقصی و واکنش اعتراض آمیز توده های خشمگین فلسطینی، دامنه بحران از مرزهای رژیم صهیونیستی فراتر رفته و به عنوان معضلی بین المللی، بیشتر کشورهای منطقه و جهان را به واکنش وا داشت. در این میان وجود علقه های دینی و نژادی، جهان اسلام و اعراب را بیش از دیگران به آینده فلسطین متوجه کرده است. اما این مسئله به معنای ماهیت صرفاً عربی و اسلامی بحران نیست و نظر به تأثیرات سوء بحران بر اوضاع سیاسی و اقتصادی کشورهای خاورمیانه و ارتباط

اتحادیه اروپا و اتحادیه عرب پرداخته و در گزارشی مختصر به ارزیابی فعالیتهای صورت گرفته اشاره خواهد شد.

۱- سازمان ملل متحد

سازمان ملل به عنوان بزرگترین تشکیلات سیاسی بین المللی، مواضع متفاوتی را در سطوح شورای امنیت، مجمع عمومی و سازمان حقوق بشر اتخاذ نموده است که به هر یک به طور مختصر اشاره می شود:

الف) شورای امنیت سازمان ملل

با گذشت ۵ روز از بروز بحران، شورای امنیت به درخواست ناصر القدوه (نماینده تشکیلات خودگردان در سازمان ملل) اقدام به برگزاری جلسه ای مشورتی به منظور تصمیم گیری درباره پیش نویس ارسالی اعضای جنبش عدم تعهد، برای صدور قطعنامه ای در محکومیت اقدامات خشونت بار رژیم

صهیونیستی نمود. اعضای شورا، در سه جلسه به بررسی پیش نویس مذکور پرداختند که هر بار با اعمال نفوذ ایالات متحده، شورای مذکور از صدور قطعنامه ای در محکومیت اسرائیل بازماند. در تاریخ ۷/۷/۷۹ و پس از انجام تغییراتی در پیش نویس اولیه، شورای امنیت سازمان ملل با صدور قطعنامه ۱۳۲۲ ضمن ابراز نگرانی از وقایع اسفبار روزهای گذشته، لزوم دستیابی به صلحی عادلانه و پایدار را مورد تأکید قرار داد.

این قطعنامه با تأکید بر لزوم حفاظت از اماکن مذهبی بیت المقدس، به تقبیح بازدید تحریک آمیز شارون (بدون ذکر نام وی) و کاربرد غیرمتعارف خشونت (بدون ذکر نام اسرائیل) پرداخت. در فراز دیگری از این قطعنامه، از رژیم صهیونیستی، به عنوان قدرتی اشغالگر، خواسته شد تا با نشان دادن تعهد عملی به معاهده چهارم ژنو، مصوب آگوست ۱۹۴۹، از افراد غیرنظامی ساکن در مناطق اشغالی

برگزاری نشستی به بررسی تقاضای ناصر القدوه برای اعزام نیروهای ناظر سازمان ملل به کرانه باختری و نوار غزه پرداخت. علی رغم حمایت کشورهای عربی و جنبش عدم تعهد تاکنون به نتیجه ای نرسیده است.

ب) مجمع عمومی

پس از آن که کشورهای عضو جنبش عدم تعهد (۱۴۴ کشور) و اتحادیه عرب از دستیابی به قطعنامه ای مبنی بر محکومیت رژیم صهیونیستی در شورای امنیت ناکام ماندند، با ارائه پیش نویس دیگری به مجمع عمومی سازمان ملل، به طرح مجدد تقاضای مذکور پرداختند. در این رابطه، مجمع عمومی با برگزاری دو نشست اضطراری در تاریخ ۲۷ و ۲۹/۷/۷۹ اقدام به بررسی پیش نویس مذکور نمود. ارائه دهندگان پیش نویس از مجمع می خواستند تا با محکوم نمودن خشونت غیرمتعارف رژیم صهیونیستی در مناطق اشغالی،

محافظت نماید. قطعنامه مذکور با تأکید بر اهمیت تشکیل کمیسیون حقیقت یاب، خواهان شناسایی دلایل بحران با هدف جلوگیری از وقوع حوادث مشابه شد. این قطعنامه با ۱۴ رأی (۴ عضو دائم و همه اعضای غیردائم) به تصویب رسید و ایالات متحده نیز به آن رأی ممتنع داد. پیش از شروع رأی گیری، کوفی عنان (دبیر کل سازمان ملل) از کلیه اعضا خواست تا با عدم جانبداری از طرفین درگیر، شرایط اعاده مذاکرات صلح را فراهم نمایند.

از دیگر اقدامات شورای امنیت درباره بحران قدس، تشکیل دو نشست اضطراری در تاریخ ۳۰/۷ و ۱/۸/۷۹ می باشد. در اجلاس اول کوفی عنان با ارائه گزارش سفر خود به خاورمیانه، به بررسی نتایج اجلاس شرم الشيخ (۲۵ و ۲۶ مهر) پرداخت و اجلاس دوم نیز به بررسی آخرین تحولات فلسطین اختصاص یافت. در تاریخ ۷/۸/۷۹ نیز شورای امنیت با

۴۶ کشور نیز به قطعنامه مذکور رأی ممتنع دادند. نظر به اینکه نشست اضطراری مجمع عمومی تنها در شرایطی برگزار می‌گردد که اعضای مجمع از عملکرد شورای امنیت ناراضی باشند، لذا تقاضای برگزاری نشست اضطراری مجمع، جدای از هدف روز آمد نمودن تصمیمات، می‌تواند به عنوان اعتراضی ضمنی به عملکرد شورای امنیت در قبال بحران مسجد الاقصی ارزیابی شود.

ج) سازمان حقوق بشر

سازمان حقوق بشر به عنوان نماینده افکار عمومی و نهادی برای حمایت از حقوق انسانی در نظام بین الملل، در نخستین واکنش خود نسبت به بحران مسجد الاقصی، ضمن ابراز نگرانی از وضعیت پیش آمده، در تاریخ ۱۷/۷/۷۹ از شورای امنیت خواست تا با تشکیل کمیسیون حقیقت یاب، مساعی خود را برای انجام تحقیقاتی مستقل و

مانع از ادامه شهرک سازی در مناطق اشغالی گردد. در پیش نویس ارائه شده، بر لزوم تعهد اسرائیل به قطعنامه چهارم ژنو، تشکیل کمیسیون حقیقت یاب برای شناسایی عاملان بحران، تحقق قطعنامه ۱۳۲۲ شورای امنیت و تعقیب مصوبات کنفرانس ۱۵ ژوئیه از سوی تمامی امضاء کنندگان معاهده ۱۹۴۹ تأکید شده است.

مجمع عمومی، با بررسی مفاد پیش نویس مذکور، در تاریخ ۳۰/۷/۷۹ قطعنامه ای را در محکومیت رژیم صهیونیستی مبنی بر دو محور عمده صادر نمود:

۱- محکومیت شهرک سازی در مناطق اشغالی و بیت المقدس
 ۲- ضرورت اجرای فوری تفاهمات شرم الشیخ (۲۵ و ۲۶ مهر ۷۹)

در مجموع ۹۲ کشور با این قطعنامه موافقت و ۶ کشور با آن مخالفت نمودند (اسرائیل، آمریکا و ۴ جزیره کوچک در اقیانوس آرام)

۲- سازمان کنفرانس اسلامی

سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان سازمانی که ماهیت خود را مدیون دفاع از شهر بیت المقدس و ماهیت اسلامی- عربی سرزمینهای اشغالی است، با برگزاری سه نشست و صدور چهار بیانیه، اقدامات رژیم صهیونیستی را محکوم کرد و از سازمانها و مجامع بین المللی برای حمایت از انتفاضه و پایان بحران استمداد نمود.

سازمان کنفرانس اسلامی، که متشکل از ۵۶ کشور مسلمان است با برگزاری سه نشست در سطوح:

۱- اتحادیه مجالس کشورهای

عضو (۷۹/۷/۱۰)

۲- وزرای خارجه (۷۹/۸/۲۰)

۳- سران کشورهای مسلمان

(۷۹/۸/۲۴)

اقدامات رژیم صهیونیستی را جامعه جهانی محکوم کرد و با صدور بیانیه های متعددی، خواهان

بدون حضور آمریکا درباره نقض حقوق بشر در بحران اخیر بعمل آورد و عوامل آن را شناسایی و روند رو به تزاید خشونت را متوقف نماید.

این سازمان در دو جلسه دیگر، که در تاریخ ۷/۲۷ و ۷۹/۸/۲۵ برگزار شد با صدور بیانیه هایی، استفاده کورکورانه از خشونت توسط اسراییل برای سرکوب تظاهرکنندگان را محکوم نموده و ضرورت توسل به تدابیر پیشگیرانه برای ممانعت از درگیری غیرنظامیان هر دو طرف را گوشزد نمود. در بیانیه دوم این سازمان، ضمن ابراز نگرانی از تشدید درگیریها، از شورای امنیت و سازمان ملل خواسته شد تا شرایط امنیتی لازم برای فعالیت هیأت‌های بازرسی حقوق بشر در کرانه باختری و نوارغزه را فراهم آورند. در بیانیه نخست سازمان حقوق بشر، کشته شدن دو سرباز اسراییلی به دست فلسطینی ها نیز محکوم شده بود.

تأکید نمود. این سازمان در تاریخ ۷/۷/۷۹ از سازمان ملل برای پایان سریع خشونت ها و توقف کامل حملات اسرائیل یاری طلبید.

با بحرانی تر شدن اوضاع، به درخواست ریاست سازمان، اجلاسی در تاریخ ۷/۸/۲۰ در سطح وزرای خارجه برگزار گردید. با آغاز به کار اجلاس سران کنفرانس اسلامی در ۷/۸/۲۲ مصوبات اجلاس وزرا تنفیذ و با صدور بیانیه ای در تاریخ ۷/۸/۲۴ ضمن اعلام همبستگی مجدد با انتفاضه و شناسایی حقوق ملت فلسطین برای بازگشت به سرزمین خود و تشکیل دولت مستقل، بر اراده راسخ اعضا برای حفظ صلح و امنیت بین المللی براساس عدالت، به عنوان اولویت نخست سازمان تأکید گردید. در این اجلاس، پیشنهاد قطع رابطه با اسرائیل مطرح گردید که علی رغم تصویب آن، مصوبه مذکور الزام آور نیست.

حمایت فوری جهان اسلام و نظام بین الملل از انتفاضه ملت فلسطین گردید. اتحادیه مجالس کشورهای عضو با صدور بیانیه ای در تاریخ ۷/۷/۷۹، ضمن انتقاد شدید از بازدید شارون و توهین آمیز خواندن آن، اقدام مذکور را در راستای جنگ مذهبی و تکرار واقعه به آتش کشیدن مسجد الاقصی در سال ۱۹۶۹ دانست. این اجلاس با کذب شمردن دعاوی صلح طلبی رژیم صهیونیستی لزوم تفهیم اراده جهان اسلام برای مقابله با اسرائیل را ضروری شمرده و از عملکرد این رژیم به عنوان خطری برای امنیت جهان اسلام، اعلام انزجار می نماید. دبیر خانه سازمان نیز در بیانیه جداگانه ای، ضمن تأکید بر موارد فوق، بازدید شارون را توطئه ای برای آغاز جنگ مذهبی دانست و بر خروج نیروهای صهیونیستی از اماکن مقدسه مسلمانان و مسیحیت و عذرخواهی رسمی این رژیم از جهان اسلام

۳- اتحادیه اروپا

وزارت امور خارجه فرانسه، به عنوان ریاست کنونی اتحادیه اروپا، بیانیه ای را در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۱ مبنی بر محکومیت بازدید شارون از مسجد الاقصی صادر نمود و در آن از نتایج اسفبار بحران در صورت ادامه وضعیت موجود ابراز نگرانی شد. اتحادیه اروپا ضمن اعلام آمادگی برای مشارکت در کمیسیون بین المللی حقیقت یاب از طرفین خواست تا بدون توجه به ضرورت شناسایی متجاوز به پای میز مذاکره بازگردند. اتحادیه مذکور در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۶ نیز جریان تخریب بخشی از مقبره یوسف (ع) را محکوم کرد و از طرفین درگیر برای کنترل بحران دعوت به عمل آورد. اعزام خاویز سولانا به عنوان نماینده اتحادیه اروپا به خاورمیانه برای جلوگیری از تبدیل درگیریها به جنگ تمام عیار، دعوت به اعاده شرایط مذاکره و تأمین آزادی سه سرباز اسرائیلی که به

اسارت حزب الله در آمده اند، اقدام دیگر اتحادیه اروپا در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۸ می باشد. در پی برگزاری اجلاس سران اروپا در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۲۲ در حاشیه مسائل اروپا بحث بر سر بحران خاورمیانه ادامه یافت. در این نشست از برگزاری اجلاس شرم الشيخ در تاریخ ۲۵-۲۶ مهر ۱۳۷۹، استقبال گردید. و اعضای اتحادیه علی رغم تکذیب شرکت نماینده ای از اتحادیه اروپا در اجلاس مذکور، آمادگی خود را برای موفقیت اجلاس اعلام نمودند.

سازمان مذکور در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۳۰ و ۱۳۷۹/۸/۹ (همراه با فدراسیون روسیه)، نیز بیانیه هایی مبنی بر محکومیت کاربرد غیرمتعارف خشونت از سوی اسرائیل و تقاضای پایان فوری درگیری را صادر نمود. این اتحادیه در اقدامات دیگری از قبیل ارائه راه حل هایی برای اجرای توافقات شرم الشيخ که از سوی میخائیل آنجل موراتینوس ارایه شد و تفاهم با عرفات

اروپا در قبال جنایات اسرائیل و حضور نماینده رژیم صهیونیستی در نشست مذکور، تحریم نمودند.

۴- اتحادیه عرب

بحران مسجد الاقصی در سطوح داخلی و بین المللی، توجه کشورهای عربی را به کنترل بحران و کاهش هزینه های بخش عربی آن متوجه نموده است. در این راستا، اتحادیه عرب به درخواست یاسر عرفات اجلاسی را در سطح سفرای کشورهای عربی و در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۰ برگزار نمود که در پایان، نمایندگان حاضر در اجلاس با صدور بیانیه ای، حمایت خود از انتفاضه ملت فلسطین در برابر تجاوزات اسرائیل را ابراز داشتند و با تأکید بر ماهیت عربی و تفکیک ناپذیر بیت المقدس و سرزمینهای اشغالی از شورای امنیت، مجمع عمومی و اتحادیه اروپا خواستند تا مانع از کشتار ملت فلسطین گردیده و با این بحران به عنوان دستاویزی برای خروج از فرایند

برای پایان سریع خشونت ها، توجه به بحران اخیر را در دستور کار اتحادیه قرار داد. در اجلاس مارس (۱۳۷۹/۸/۲۶) که بدنبال تقاضای اتحادیه عرب از اتحادیه اروپا برای ایفای نقش بیشتر در خاورمیانه و در سطح وزرای امور خارجه کشورهای اروپایی برگزار گردید اعلام شد:

- ۱- اتحادیه اروپا به هیچ روی جانشین آمریکا برای حل و فصل مسائل خاورمیانه نخواهد شد.
- ۲- این اتحادیه روشهای یکجانبه را برای حل و فصل بحران مناسب نمی داند. لذا دخالت اتحادیه در مسائل اخیر نیازمند به تقاضای هر دو طرف می باشد و برای نقش فعالتر اتحادیه، جلب اعتماد طرفین در گیر ضروری است. علاوه بر وزرای خارجه عضو، وزرای خارجه کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی نیز حضور داشتند. سوریه و لبنان، این اجلاس را به دلیل سکوت اتحادیه

در صدد تشدید مصوبات بودند. لیبی نیز در اعتراض به محتوای ضعیف مصوبات، جلسه را ترک نمود.

اتحادیه عرب در تاریخ ۱۳۷۹/۸/۱۱ و ۱۳۷۹/۸/۱۱ دو اجلاس در سطح نمایندگان دائم و سفرای حاضر در قاهره برگزار نمود که علاوه بر بحث در مورد اوضاع جدید فلسطین، بر تأمین مقدمات لازم برای اجرای مصوبات اجلاس سران تأکید گردید. اتحادیه مذکور در تاریخ ۱۳۷۹/۸/۱۸ نیز با تشکیل جلسه ای تحت عنوان "کمیته پیگیری" اجلاس فوق العاده سران، که در حاشیه اجلاس سران کنفرانس اسلامی در دوحه و در سطح وزرای خارجه عرب برگزار می گردید، لزوم دستیابی به راهکارهای عملی برای تعقیب اهداف اجلاس سران را مطرح نمودند. عصمت عبدالمجید دبیر کل اتحادیه عرب نیز در تاریخ ۱۳۷۹/۸/۲۴ با رئیس کمیسیون حقوق بشر در قاهره دیدار و از وی خواست تا تضييع حقوق بشر در

صلح مقابله نمایند. پیشنهاد تشکیل کمیسیون حقیقت یاب از دیگر مفاد بیانیه مذکور می باشد.

در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۱۲ نیز کشورهای سوریه و مصر، خواهان تشکیل اجلاسی در سطح سران گردیدند که با موافقت اتحادیه، این نشست در تاریخ ۳۰ مهر و اول آبان برگزار گردید. این اتحادیه پیشتر در تاریخ ۱۳۷۹/۷/۲۶ و در پایان اجلاس شرم الشیخ خواهان ایفای نقش فعالتری از سوی سازمان ملل گردیده و از حضور خاویر سولانا نماینده اتحادیه اروپا در شرم الشیخ تقدیر نموده بود. اما اجلاس سران اتحادیه عرب با تصویب پیشنهادهای اجلاس وزرای خارجه بر ضرورت تشکیل صندوق حمایت از فلسطین و تشکیل کمیته تحقیق بین المللی در مورد وقایع اخیر قدس و سرزمینهای اشغالی تأکید نمود. در حاشیه این اجلاس، کشورهای مصر و اردن در صدد کاستن از الزامات و فلسطین و عراق

کرانه های اشغالی را به اطلاع سازمانهای بین المللی ذیربط برساند.

اتحادیه عرب در تاریخ ۱۳۷۹/۹/۳ نیز نشستی را در سطح وزرای دارایی برای بحث درباره کمک مالی به قیام فلسطین برگزار نمود که در این نشست ۱۳ وزیر از ۲۲ عضو اتحادیه شرکت کردند. عراق به عنوان یکی از اعضای تحریم کننده اجلاس، بی فایده بودن راه حلهای مالی را در برابر کمکهای نظامی، دلیل اصلی عدم حضور در اجلاس عنوان نمود. نشست وزرای عرب برای تخصیص بودجه ۱ میلیارد دلاری اجلاس اضطراری سران عرب تشکیل می گردید که در این نشست مبلغ ۸۰۰ میلیون دلار برای حفاظت از هویت عربی - اسلامی بیت المقدس و مابقی برای کمک به خانواده شهدای انتفاضه تخصیص یافت.

نتیجه گیری

با توجه به اقدامات و مواضع سازمانهای منطقه ای و بین المللی مذکور، دو گرایش در مورد قضیه

فلسطین و بحران مسجد الاقصی قابل مشاهده است. مسائلی که حوزه وسیعتری از وحدت نظر و اجماع بین المللی را به خود اختصاص داده اند عبارتند از:

- ۱- محکومیت بازدید آریل شارون
- ۲- محکومیت کاربرد غیر متعارف برای سرکوب تظاهر کنندگان فلسطین
- ۳- ضرورت پایان درگیریها و اعاده شرایط مذاکره
- ۴- تشکیل کمیسیون بین المللی

حقیقت یاب

اما در حوزه مسائل منطقه ای، بالاخص زمانی که علقه های مذهبی - زبانی به میان می آید، وحدت نظر در مورد بحران به حداقل ممکن می رسد و بیشتر به شکل وحدتی نسبی در میان دو سازمان منطقه ای یعنی سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه عرب مشاهده می گردد. مسائل این حوزه عبارتند از:

- ۱- حمایت سیاسی از انتفاضه در عرصه بین المللی
- ۲- پیشنهاد قطع رابطه با اسرائیل
- ۳- حمایت مالی از انتفاضه

* کارشناس مؤسسه تحقیقات و پژوهشهای سیاسی علمی ندا